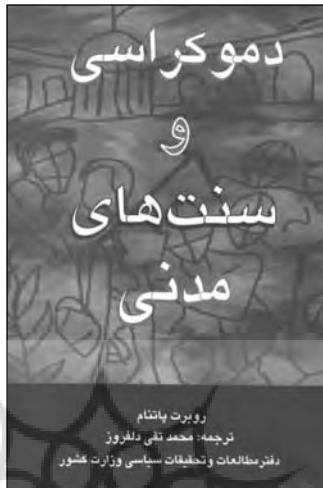


سرمایه اجتماعی

کلید جادویی دموکراسی

محمد افروز



- دموکراسی و سنتهای مدنی

- روبرت پاتنام

- محمدتقی دلفروز

- انتشارات روزنامه سلام

- ۱۳۸۰، ۴۳۱ صفحه، ۳۱۰۰ نسخه، ۲۲۰۰ تومان

مارکسیستها بلکه طرفداران نظریات مدرنیزاسیون اجتماعی - اقتصادی (سیمور مارتین لیپست یکی از شاخص‌ترین آنهاست) بر این باورند که این اقتصاد است که سیاست و اجتماع را به جلو می‌راند. اما پاتنام با آزمون و ردّ این فرضیه رقیب که «مدرنیته اجتماعی - اقتصادی عامل کارآمدی بیشتر حکومت‌های منطقه‌ای شمال ایتالیاست»، نشان می‌دهد که سنتهای مدنی کنونی، یا آنچه به طور کلی سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود، عامل اصلی کارآمدی این حکومتهاست. اثر پاتنام موضوع دیگری را نیز که اقتصاددانان همواره در آن تردید دارند، روشن می‌سازد، و آن اینکه توسعه اقتصادی به زمینه وابسته است و بعضی از فرهنگها و حکومتها پیش از بعضی دیگر، تقویت کننده توسعه اقتصادی‌اند.

اثر پاتنام سیاست‌گذاری را که برای توسعه اقتصادی و کارآمدی حکومت تلاش می‌کنند، در کشاکش جبر و اختیار رها می‌سازد. از یک طرف، از آنجا که موضوع کتاب با اصلاحات نهادی در ایتالیا آغاز می‌شود، سهمی را هم برای اصلاحات نهادی، یا به عبارت دیگر نقش کارگزار انسانی در کارآمدسازی حکومت و توسعه اقتصادی قائل می‌شود. اما میزان موفقیت اصلاحات نهادی را به میزان فرهنگ مدنی جامعه مورد نظر مقید می‌کند. از طرف دیگر، هرچند فرهنگ مدنی یا همان سرمایه اجتماعی را از طریق شبکه‌های مختلف تعامل اجتماعی قابل گسترش می‌داند (شبکه‌هایی که به هر حال به وجودآورندگان آنها کارگزاران انسانی‌اند)، اما چنان فرآیند طولانی را برای بسط آن در نظر می‌گیرد (برای شمال ایتالیا چیزی قریب به هزار سال) که بیشتر یک جبر تاریخی به نظر می‌رسد.

به هر رو، کتاب پاتنام مهم‌ترین اثر ترجمه شده به فارسی درباره سرمایه اجتماعی است. کتاب با این پرسش آغاز می‌شود که «چرا بعضی از حکومت‌های دموکراتیک موفق و بعضی ناموفق‌اند؟» پاتنام طی شش فصل کتاب سعی می‌کند به این پرسش پاسخ دهد.

در فصل اول، نویسنده بیشتر به طرح مسئله می‌پردازد و روش تحقیق خود را معرفی می‌کند. در فصل دوم، سیر تشکیل حکومت‌های منطقه‌ای ایتالیا، که بالاخره در سال ۱۹۷۰ پا به عرصه وجود گذارند، تشریح می‌شود. پاتنام نشان می‌دهد که

روبرت پاتنام نظریه پرداز برجسته سرمایه اجتماعی، در کتاب ارزنده خود که در ایران تحت عنوان دموکراسی و سنتهای مدنی ترجمه شده، کارایی نظریه سرمایه اجتماعی خود را در ایتالیای معاصر به آزمون می‌گذارد. فرضیه پاتنام این است که سرمایه اجتماعی عامل اصلی توسعه اقتصادی و کارآمدی حکومت و فقدان آن نیز عامل اصلی توسعه نیافتگی اقتصادی و عدم کارآمدی حکومت به شمار می‌آید. از منظر او، در حالی که سرمایه مادی به داراییهای مادی و سرمایه انسانی به ویژگیها و استعدادهای افراد اشاره دارد، سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات میان افراد است، و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای رفتار متقابل و اعتماد متقابل ناشی از آنها را در برمی‌گیرد. او در این کتاب از یک روش تطبیقی - تاریخی پیروی می‌کند، چرا که از یک طرف، برای اثبات فرضیه خود دو بخش شمال و جنوب ایتالیا را مقایسه می‌کند و از طرف دیگر، در جستجوی ریشه‌های سرمایه اجتماعی، با بازگشت به اعماق تاریخ ایتالیا، وفاداری خود را به رویکرد تاریخی ثابت می‌کند و تأثیر قدرتمند روندهای تاریخی بر سرنوشت کنونیان را به ما یادآور می‌شود. از دیگر ویژگیهای مهم اثر پاتنام، استفاده گسترده از داده‌های آماری و تجربی برای اثبات فرضیه خود است. هرچند شاید پاتنام در این کتاب نکات چندان جدیدی به مفهوم سرمایه اجتماعی نیفزوده باشد، اما هنر وی عملیاتی کردن این مفهوم به شیوه‌ای جالب است. پاتنام با شاخص‌بندی دقیق مفهوم سرمایه اجتماعی و مفهوم حکومت کارآمد و سنجش آماری دقیق این شاخصها، الگوی مناسبی به دست داده است که هر پژوهشگری می‌تواند آن را در مورد جامعه خود به کار گیرد.

از ویژگیهای روشی کتاب که بگذریم، نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام به لحاظ محتوا دو کلیشه نظری رایج را زیر سؤال برده است. اول اینکه، همواره ادعا می‌شود که جوامع فئودال سنتی بیش از جوامع صنعتی پیشرفته، جهت‌گیریهای جماعتی و اشتراکی دارند، اما پاتنام نشان می‌دهد که دقیقاً در شهری‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین مناطق ایتالیا، شهروندان به مشارکت در انواعی از فعالیتهای همکاری جویانه عمومی تمایل بیشتری دارند. کلیشه دوم و مهم‌تری که پاتنام درهم می‌شکند، بحث زیربنا بودن اقتصاد برای دیگر تحولات اجتماعی و سیاسی است. نه تنها

طی دو دهه از زمان تشکیل این حکومتها، نهادهای جدید تغییرات قابل ملاحظه‌ای در جو سیاسی و فرهنگ سیاسی مناطق به وجود آوردند. به طور خلاصه، مناطق از برخوردی ایدئولوژیک به طرف همکاری، از افراط‌گرایی به سمت میانه روی، از تعصب به تساهل، از نظریات انتزاعی و آرمانی به مدیریت عملی، از بیان منافع به طرف تجمیع منافع، و از اصلاحات اجتماعی رادیکال به سمت «حکومت خوب» حرکت کردند.

پاتنام از میان عوامل مختلفه جامعه‌پذیری نهادی، یا به عبارت دیگر مشارکت در حکومت منطقه‌ای و لزوم حل مشکلات مردم را علت اصلی گرایش رهبران و مسئولان مناطق به سمت میانه‌روی و عملگرایی می‌داند. براساس بررسیهای پاتنام در دهه اول اکثر حکومتهای منطقه‌ای عملکرد ناموفقی داشتند، اما این عدم موفقیت در حکومتهای جنوب بیشتر از شمال بود. اگرچه در سراسر دهه دوم - یعنی دهه ۱۹۸۰ - رضایت مردم از عملکرد حکومت‌هایشان به مرور افزایش یافته ولی این رضایت برای شمالیها خیلی بیشتر از جنوبیها بوده است.

در فصل سوم، پاتنام عملکرد نهادی مناطق شمال و جنوب را مقایسه کرده و دو معیار کارآمدی در اداره مسائل عمومی و پاسخگویی در برابر موکلان را برای ارزیابی عملکرد نهادی به کار

گرفته است. نتیجه بررسیهای گسترده پاتنام نشان می‌دهد که حکومتهای منطقه‌ای شمال ایتالیا در عملکرد داخلی‌شان کارآمدتر، در وضع سیاستهای مناسب خلاق‌تر و در اجرای سیاستها نیز کارآمدتر از حکومتهای منطقه‌ای جنوب ایتالیا بوده‌اند. همچنین حکومتهای منطقه‌ای شمال پاسخگویی بیشتری در برابر موکلان خود داشته‌اند. به علاوه، پاتنام یک ارتباط کاملاً مثبت میان عملکرد نهادی و رضایت شهروندان کشف می‌کند. به عبارت دیگر، آن مناطقی که شهروندان‌شان (اعم از شهروندان عادی و رهبران جمعیتها) از حکومتهای خود رضایت بیشتری داشته‌اند، دقیقاً همان مناطقی بوده‌اند که حکومت‌هایشان عملکرد بهتری داشته‌اند، و آن مناطقی که شهروندان‌شان از حکومت‌هایشان رضایت کمتری داشته‌اند، همان مناطقی بوده که عملکرد نهادی بدتری داشته‌اند. از نتیجه این بررسیهای مقایسه‌ای، پاتنام به این پرسش می‌رسد که چرا علی‌رغم وجود ساختارهای مشابه و منابع مالی و قانونی یکسان، عملکرد بعضی از حکومتهای منطقه‌ای بهتر از بعضی دیگر بوده است؟

در فصل چهارم کتاب، که مهم‌ترین فصل کتاب نیز هست، پاتنام به بررسی پرسش فوق می‌پردازد و در اینجا است که «جامعه مدنی» را شرط اصلی موفقیت و کارآمدی یک حکومت دموکراتیک می‌یابد. وی مشارکت مدنی شهروندان، برابری سیاسی، همبستگی، اعتماد و تساهل میان شهروندان، و وجود انجمنها را شاخصهای یک جامعه مدنی می‌داند. پاتنام با بررسی مواردی چون تعداد انجمنها، تعداد روزنامه خوانها و تعداد شرکت‌کنندگان در فرآیندها پی برد که میزان مشارکت مدنی (و نه مشارکت پیرو منشانه) در مناطق شمالی بسیار بیش از مناطق جنوبی ایتالیا است. سپس با انطباق این مناطق با مناطقی که بر حسب میزان عملکرد نهادی رتبه‌بندی شده‌اند، ثابت کرد که آن مناطقی که بهترین عملکرد نهادی را داشته‌اند، دقیقاً همان مناطقی‌اند که بیشترین مدنیت را داشته‌اند و آن مناطقی که بدترین عملکرد نهادی را داشته‌اند جزو غیرمدنی‌ترین مناطق ایتالیا هستند. پاتنام الگوی رفتار شهروندان و نخبگان و نوع تعامل میان آنها را در جوامع مدنی و جوامع غیرمدنی ایتالیا با هم مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که شهروندان مناطق مدنی بیشتر برای حل مسائل عمومی و شهروندان مناطق غیرمدنی برای مسائل شخصی به اعضاء شوراها مراجعه می‌کنند. ویژگی سیاست در مناطق غیرمدنی روابط اقتدارآمیز عمودی و مبتنی بر وابستگی است، در حالی که در مناطق مدنی روابط افقی و مبتنی بر برابری حاکم است. رهبران سیاسی مناطق مدنی در مقایسه با هم‌تایان خود در جوامع غیرمدنی حمایت پرشورتری از تساوی سیاسی به عمل

می‌آورند. در مجموع، کارآمدی حکومت منطقه‌ای به شدت به این امر بستگی دارد که آیا روابط اقتدار و مبادلات اجتماعی در حیات منطقه به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند یا به صورت عمودی و سلسله‌مراتبی، چرا که برابری یکی از وجوه اساسی جامعه مدنی است. همچنین، رهبران سیاسی جوامع مدنی آمادگی بیشتری برای مصالحه و سازش با مخالفان خود دارند و این نیز به عملکرد بهتر حکومت در این جوامع کمک می‌کند. شهروندان مناطق غیرمدنی‌تر در همه امور سیاسی‌شان احساس استثماری شدگی، بیگانگی و ضعف می‌کنند و این به دلیل روابط عمودی اقتدارگرایانه در این جوامع است. برعکس، در جوامع مدنی‌تر که زندگی

پاتنام در بررسی تجربی سرمایه اجتماعی این کلیشه را رد می‌کند که گرایش جماعتی در جوامع فنودال سنتی بیش از جوامع صنعتی و توسعه یافته است

از نظر پاتنام سنتهای مدنی یا به طور کلی سرمایه اجتماعی عامل کارآمدی حکومتهاست

مسئله‌گرایانه‌تر و همکاری جوانه‌تری وجود دارد، مردم چنین احساسی ندارند. سه ویژگی درستکاری سیاسی، اعتماد متقابل و اطاعت از قانون که در همه مباحث مربوط به فضیلت مدنی از آنها یاد می‌شود، در مناطق مدنی وجود دارند، در حالی که در مناطق غیرمدنی زندگی شهروندان مخاطره‌آمیز است، اعتماد متقابل وجود ندارد، قوانین نقض می‌شوند و فساد سیاسی و حاکمیت گروه‌های مافیایی وجود دارد. از این رو، در مناطق غیرمدنی حکومتها تضعیف، و در جوامع مدنی حکومتها به واسطه روحیات مدنی شهروندان تقویت می‌گردند. همچنین، به دلیل ویژگیهای مدنی، امور عمومی در مناطق مدنی منظم‌ترند و مردم رضایت بیشتری از زندگی احساس می‌کنند. حال که روشن شد مهم‌ترین عامل حکومت خوب، درجه نزدیکی زندگی اجتماعی و سیاسی یک منطقه به ایده‌آل جامعه مدنی است، باید پرسید که چرا بعضی از مناطق از مناطق دیگر مدنی‌ترند؟

در فصل پنجم پاتنام برای پاسخ به این پرسش به هزار سال پیش بازمی‌گردد. به طور خلاصه باید گفت که از دل قرن پراشوب یازدهم، در جنوب پادشاهی نورمن، و در شمال مجموعه جمهوریهای سربرآوردند. اما الگوی حکومتی این دو بخش از ایتالیا کاملاً با هم متفاوت بود. پادشاهی نورمن یک پادشاهی استبدادی، فنودال و بوروکراتیک بود. به هیچ وجه اجازه خودمختاری محلی داده نمی‌شد و زندگی صنعتگران و بازرگانان از مرکز و بالا تنظیم می‌شد و نه از درون جامعه.

به عبارت دیگر، در جنوب یک ساختار اقتدار سلسله‌مراتبی و عمودی حاکم بود و مردم «تبعه» محسوب می‌شدند و نه «شهروند». اما در جمهوریهای شمالی شکل بی‌سابقه خودگردانی در حال ظهور بود، روابط اقتدار بیشتر به صورت همکاری جوانه و افقی سازمان یافته بود، ساختار اقتدار اساساً لیبرال‌تر و مساوات‌گرایانه‌تر بود، مردم مشارکت بیشتری در مسائل حکومتی داشتند و انواع انجمنها، اصناف، سازمانهای محلی، انجمنهای خیریه انجمنهای کمک متقابل و... به صورت چشمگیری رشد یافتند. نتیجه همه این تحولات ایجاد یک جامعه مدنی قدرتمند و بی‌همتا بود. یک اقتصاد و تجارت پررونق نیز در این نواحی به وجود آمد که جز در پرتو روابط اعتمادآمیز، که خود ریشه در زندگی انجمنی و همبستگی جمعی داشت، امکان بروز نمی‌یافت. در مجموع، در جمهوریهای شمالی ایتالیا در قرون وسطی بهبود چشمگیر زندگی اقتصادی و عملکرد حکومت از طریق هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی ممکن

شده بود. این الگوی زندگی مدنی پس از وحدت ایتالیا در ۱۸۷۰ نیز همچنان تداوم یافت و در دهه‌های آخر قرن نوزدهم به سرعت توسعه یافت. اما در جنوب همچنان سنت‌های حکومت اقتدارگرای میراث پادشاهی نورمن، به حیات خود ادامه داد. زندگی انجمنی و همبستگی اجتماعی داوطلبانه بسیار ضعیف بود. حس رقابت منفی و بی‌اعتمادی میان مردم حکومت می‌کرد و پیوندهای اجتماعی به صورت عمودی، حامی - کارگزار و مبتنی بر وابستگی و استثمار بود و نه افقی و مبتنی بر همکاری. همین وضعیت باعث ایجاد یک حکومت ضعیف شده بود و مردم که برای حفظ امنیت خود اعتمادی به حکومت نداشتند، به گروه‌های مافیایی وابسته می‌شدند. این دو الگوی متفاوت روابط اجتماعی تا عصر حاضر در ایتالیا تداوم یافته‌اند.

سپس پاتنام ارتباط این سنت‌های مدنی عصر گذشته را با شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی ایتالیای معاصر بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که سنت‌های مدنی گذشته یک عامل قوی برای پیش‌بینی سطوح توسعه اجتماعی و اقتصادی ایتالیای معاصر به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، همان مناطقی که یک قرن پیش غنی‌ترین سنت مدنی را داشتند، اکنون جزو پیشرفته‌ترین مناطق ایتالیا به شمار می‌روند و آن مناطقی که جزو غیرمدنی‌ترین مناطق بودند اکنون در زمره عقب‌مانده‌ترین مناطق ایتالیا هستند. اینکه این سؤال مطرح می‌شود که چرا سنت‌های مدنی برای عملکرد حکومت و توسعه اجتماعی و اقتصادی از چنین اهمیتی برخوردارند؟

پاسخ پاتنام به پرسش فوق، که در فصل ششم ارائه شده، این است که عملکرد مثبت حکومت و توسعه اجتماعی و اقتصادی منوط به عمل جمعی است و موفقیت در غلبه بر مشکلات جمعی به زمینه اجتماعی بستگی دارد. همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده است، بهتر صورت می‌گیرد. منظور از سرمایه اجتماعی «وجه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌هاست» که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشد. ویژگی مهم سرمایه اجتماعی این است که برخلاف سرمایه مادی منابع آن در صورت استفاده، افزایش؛ و در صورت عدم استفاده، کاهش خواهد یافت.

پاتنام کتاب خود را با این جمله به پایان می‌برد: ایجاد سرمایه اجتماعی کار آسانی نخواهد بود اما این گونه سرمایه کلید کارآمدسازی دموکراسی است بازیگران اجتماعی می‌توانند دموکراسی را ایجاد کنند اما آنچنان که روستو می‌گوید طی یک یا دو نسل نه آنچنان که پاتنام می‌گوید طی هزار سال

در چنین جامعه‌ای مردم به یکدیگر و به حکومت اعتماد دارند، در انواع شبکه‌های اجتماعی مشارکت دارند، از هنجار معامله متقابل بهره‌مندند و حضورشان در شبکه‌ها باعث می‌شود که در صورت عهدشکنی و قانون شکنی اعتماد دیگران را از دست بدهند. مردمی که در چنین بستر اجتماعی زندگی می‌کنند عملکرد خوبی را از حکومت انتظار دارند و آن را به شیوه‌های درست درخواست می‌کنند. حکومت نیز متقابلاً از منابع سرمایه اجتماعی موجود در جامعه تغذیه می‌کند و عملکردش بهبود می‌یابد.

روی دیگر سکه، جوامع غیرمدنی‌اند. در این جوامع نیز عهد شکنی،

بی‌اعتمادی، فریب و حيله، انزوا، عدم همکاری، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را تقویت می‌کنند. در چنین بستری نه حکومت می‌تواند عملکرد مناسبی داشته باشد، و نه مردم به آن اعتماد و از آن رضایت دارند.

پاتنام جمع‌بندی مطالب کتاب را در قالب سه درس بیان می‌کند:

اول اینکه، زمینه اجتماعی و تاریخ شدیداً بر میزان کارآمدی نهادها تأثیر می‌گذارد. دوم اینکه، تغییر نهادهای رسمی می‌تواند به تغییر روش‌های سیاسی منجر شود، اما میزان موفقیت در ایجاد تحول، به میزان سرمایه اجتماعی هر جامعه بستگی دارد. سوم اینکه، تاریخ تغییرات نهادی بسیار کند حرکت می‌کند و تأثیرگذاری اصلاحات نهادی بر الگوهای عمیق‌تر فرهنگ و ساختار اجتماعی به زمانی طولانی نیاز دارد. پاتنام کتاب خود را با این جمله به پایان می‌برد که «ایجاد سرمایه اجتماعی کار آسانی نخواهد بود، اما آن کلید کارآمدسازی دموکراسی است». کتاب حاضر اثر ارزشمندی در مورد سرمایه اجتماعی است، اما بر نظریه‌های آن انتقاداتی نیز وارد شده است. پاتنام «مدنیت» بیشتر شمال ایتالیا را باعث توسعه اقتصادی بیشتر و عملکرد دموکراتیک بهتر این منطقه قلمداد می‌کند. اما همان‌طور که جوی فووریکر و تد لاندمن در اثر خود حقوق شهروندی و جنبش‌های اجتماعی استدلال می‌کنند، در ایده مدنیت پاتنام جایی برای حقوق فردی وجود ندارد. همچنین، معیار پاتنام برای «عملکرد نهادی» ارائه کالاها و خدمات است و نه حقوق. این معیار ترکیبی است از فرایندهای سیاست اجتماعی و سیاست رفاه اجتماعی. همین تأکید او بر «عملکرد مناسب در سیاست‌گذاری» و عدم توجه به موضوع «حاکمیت مردم و حقوق فردی»، او را به یک «تعریف نخبه‌گرایانه از دموکراسی» سوق داده است. در واقع، مؤلف به حقوق فردی، به ویژه مبارزات مردمی برای تحقق این حقوق، توجهی نکرده است.

به علاوه، از آنجا که تز پاتنام این است که مدنیت از طریق یک فرآیند تاریخی طولانی ایجاد می‌شود که مانند مورد شمال ایتالیا حدود نهمصد سال طول می‌کشد، بدون شک این استدلال تا حدی سبب ناامیدی کسانی می‌شود که برای تحکیم دموکراسی‌هایشان در مدت زمان نسبتاً کوتاهی تلاش می‌کنند. البته او فعالیت اجتماعی را در شکل انجمن‌گرایی مدنی می‌پذیرد، اما جامعه مدنی مورد نظر او توسط باشگاه‌های ورزشی، هنر نواختن زنگ ناقوسها، و تشکلهای زنان تقویت می‌شود. بدین ترتیب، او نقش جنبش‌های اجتماعی و مبارزات سیاسی‌شان را برای حقوق فردی نادیده می‌گیرد. همین مبارزات هستند که اتباع جامعه مدنی مدرن را می‌سازند و احساس مسئولیت فردی را در قبال جامعه سیاسی در آنها به وجود می‌آورند. و بالاخره اینکه، او علاوه بر حقوق فردی و جنبش‌های اجتماعی، نقش دولت را نیز نادیده می‌گیرد. دولت یک عنصر تحلیلی کلیدی است، چرا که حقوق فردی باید از طریق و اغلب علیه دولت کسب شود، و این امر مستلزم عمل جمعی به ویژه در شکل مبارزه مردمی در قالب جنبش‌های اجتماعی است. از این دیدگاه، دموکراسی نه به ارائه کالا بلکه به تحقق حقوق مرتبط است. در تحلیل نهایی، رابطه «مدنیت» و دموکراسی یک رابطه قطعی نیست، چرا که به موفقیت متغیر جنبش‌های اجتماعی در تحقق حقوق شهروندی بستگی دارد. بازیگران اجتماعی می‌توانند دموکراسی را ایجاد کنند، اما آنچنان که روستو می‌گوید، طی یک یا دو نسل، نه آنچنانکه پاتنام می‌گوید، طی هزار سال.^۲

پی نوشت:

1- Joe Foweraker and Todd Landman, Citizenship Rights and Social Movement: A Comparative and Statistical Analysis (Oxford University Press, 1997), see chapter 8.

2- Ibid